

تذکراتی چند بدادستانها و بازپرسیها

حمایت آزادی و حقوق فردی و اجتماعی

درموقع بازپرسی

دنیای کنونی در نتیجه این دو جنگ عالم سوز درمخوفترین و دهشتناکترین دوره تاریخ افتاده و آن بحران مالی و اقتصادی است کشورهای بزرگ و کوچک جهان تمام مساعی خود را در دفع این بحران بکار میبرند تا از شدت آن بکاهند زیرا آثار جنگ از خود جنگ شدیدتر بوده و عواقب و نتایج آن نه فقط بوضعیت اقتصادی عالم اعظمه شدید وارد آورده بلکه اوضاع صحی اخلاقی سیاسی و اجتماعی کشور ما را نیز واژگون نموده است - مقررات و سازمانهای پراکه بشر برای حفظ انتظامات و تأمین رفاه و آسایش اجتماع وضع و ایجاد نموده امروز علاوه بر اینکه نتایج مطلوبی عاید نشده فایدهای جز تضرات هنگفتی برای افراد جامعه نداشته و تکرار آن مستلزم ذلت و نکبت و زبان مادی و معنوی مردم خواهد بود .

دوهر کشوری برای جلوگیری از انقلاب و عواقب و خیم آن که دامنگیر جامعه خواهد شد ناگزیرند قسمتی از اعمال و فعالیت های مردم را که قبلا مشروع و قانونی بوده مغل انتظامات داشته و در نتیجه وضع قوانین از آن اعمال جلوگیری کرده و با محدودیتی برای آن قائل شوند .

از دیاد جرائم و مقررات مربوطه بامور کیفری تولید تجاوزاتسی به حقوق و شخصیت متهمین و یا مجرمین نموده و برای اصلاح جامعه لازم است تدابیری برای جلوگیری از این تجاوزات اتخاذ شود .

بین لزوم تعقیب و شخصیت بشر تعارضی وجود دارد که بایستی تعادلی

بین این دو قسمت برقرار گردد .

منافع جامعه موقعی دچار خطر میگردد که یکی از این دو اصل

بر دیگری ترجیح داده شود تا موقعی که محکومیت صورت قطعی پیدا نکنند

باب برآنت برای اشخاص مفتوح خواهد بود و شخصیت آنان از هر حیث باید

مورد احترام قرار گیرد .

از بازداشت موقت و یا زندانی کردن اشخاص چه نتایجی عاید اجتماع خواهد شد .

از بدو مشروطیت الی یومنا هانا از وضع این همه مقررات کیفری و شدت مجازات و برکردن زندانها را از اشخاص و تأسیس داسراهای پر عرض و طول و کثرت باز پرسها و داد بارها و معاکم جزائی چه نتایجی عائد جامعه ماشده است .

آیا بهبودی در اخلاق مردم ناکثون پیدا شده آیا از تعداد جرائم کم شده است البته جواب منفی است .

اگر به آمار داسراها مراجعه شود این معنی بخوبی ثابت و آشکار خواهد شد که این رویه عبت بوده و جز زبان فراوان برای کشور از نظر آ نادمتر نبه که در موقع وضع قوانین در نظر گرفته شده است نمره ای نخواهد داشت . پس چه باید کرد تا نتایج مطلوبه از تعقیب جرائم مانند سایر کشورهای مترقیه بدست آید . بدیهی است که قیمت هر مملکتی مستلزم قیمت افراد آن است هر قدر افراد یک کشور ارزش داشته باشند و هر قدر سازمانهای کشور با ارزش افراد اهمیت دهند و در مقام تربیت روحی و جسمی آنان بر آیند بهمان اندازه بر ارزش کشور افزوده خواهد شد . بقول یکی از علمای اجتماع **قیمة المملكة یتوقف علی قیمة افرادها** .

قیمت هر محیط و کشوری بستگی باقیمت افراد آن محیط و کشور خواهد داشت .

قوانین و مقررات افراد را اصلاح نکرده باید معایب و نقائص روحی و جسمی افراد را رفع و جاده جوئی نمود و در کشور ما با وضع و اجرای قوانین می خواهند در صد رفع معایب بر آیند و با افراد کمتر توجه و عنایت می شود یکی از علماء می گوید **(انما نعتمد علی الشرایع اکثر مما یجب و علی الافراد اقل مما یجب)** درست این کلام در کشور ما مصداق پیدا نموده است و هیچ کشوری مانند ایران مقررات و قوانین آنرا احاطه نکرده است ولی از اصلاح و تربیت روحی و جسمی اثری مشهود نمی گردد .

بسیار دفاع حقوق جامعه باید معرفت کامل به شخصیت متهم پیدا نمود زیرا

ارتکاب جرم ملازمه باوضع ساختمانی دماغ و مغز بشر دارد و هر اخلال و نقصی که در دماغ افراد پیدا شود آثار آن متوجه اجتماع خواهد شد .

باوضع قوانین و اجرای صورت آن نمی توان جلوگیری از جرائم نمود بلکه باید علت جرم را در نظر گرفت خانواده و محیط اجتماعی آن شخص را مطالعه نمود بوسائل ماشی اونظری افکند و تاثیرات محیط و تلقیناتی که باومی شود مورد بررسی قرارداد .

عدالت در کشور ما عدالت جرمی است این عدالت کور است همیشه بهل اول ارتکاب جرم رسیدگی

کرده نه بجرم ارتکابی . شخصیت هر فردی هجتنی بر دو اصل است یکی عقل و دیگری آزادی .

آزادی بدون عقل برای فرد و اجتماع مضر است زیرا اعمال افراد عاری از عقل و خرد برخلاف مصلحت و غرض فردی و اجتماعی بوده و منغل انتظامات عمومی نیز میباشد و نسبت ساین افراد سلب آزادی و بازداشت نتیجه ای نداشته باید ه تدایمی و معالجه آنان پرداخت این بازداشتها باید طوری باشد که بتواند پس از خانه آن خود را هم آهنگ و متناسب با زندگی اجتماعی نمود - این عدم هم آهنگی و عدم تناسب ایجاد کرده است که آنانرا در محوطه دوران اجتماع نگاهدارند ولی باید باصلاح و معالجه و بهداشت و تربیت روحی و جسمی آنان پرداخت تا مجدداً متناسب با زندگی اجتماعی شوند .

اجتماع شبیه بموزائیک است که از اشخاص مختلف تشکیل شده .

در هر تعقیب جرمی باز پرس باید علت آنرا کشف کند و دادستانها هم بکیفیات مشدده و

منصفه توجه نداشته باشد .

ساختمان بدنی و دماغی مجرم را باید در نظر گرفت و بصفت و خصائل و سوابق اجتماعی

و درجه رشد فکری او پی برد و آنها را از یکدیگر جدا و تفکیک نمایند .

مجرمین خطرناک .

➤ بزبهای موهمه .

➤ تکرار جرم .

➤ عشق .

➤ فقر .

➤ جهالت .

➤ عدم رعایت نظامات .

جدا کردن مجرمین زنان از مردان .

مجرمین هادی .

➤ غیر عادی .

جدا کردن مجرمین بزرگ از کوچک .

مجرمین غیر قابل اصلاح .

در آمریکا و انگلستان و سوئد و نروژ و دانمارک و هلند باین اصل که کشف علت و تدای

آن است اهمیت زیادی میدهند . محیط زندان و بازداشتگاهها در حکم محیط تربیتی و معالجات

امراض روحی و جسمی و عصبی می باشد یکی از دادستانهای انگلستان می گوید که اگر بخواهیم

اسقاط تکلیف کنیم و روش دیرینه را ادامه دهیم و باصلاح بزه کاران نظری نداشته باشیم درآئیه

نزدیکی انگلستان بصورت بیمارستانی در خواهد آمد که عین آن عبارت ذیلا نقل می شود :

England will be a kind of lunatic asylum

یکی از دادستانهای آلمانی همین اندرز را بیاز پرسان داده که بعقل جرائم ارتکابی در

بادی امر بی برده فوراً در صدد رفع آن عمل برآیند که در آئیه نظائر و اشتباه آن رخ ندهد .

هیچ معلولی بدون علت نمی شود و اصل علیت را باید درمورد تعقیب جرائم در نظر

گرفت - زیرا تکوین و بیدایش هر امری بر این اصل استوار خواهد بود در غیر اینصورت آلمان

بصورت دارا امیباین درآمد و ایجاد خطراتی برای نسل آینده خواهد نمود که عین کلام او

ذیلا نقل می شود :

Deutschland schien mir ein Haus für Unsinnige

در قوانین اسلامی افراد نا بالغ و غیر رشید را که اطفال و سفها و دیوانگان هستند

مرفوع القلم و مرفوع التکلیف میدانند زیرا قلم تکلیف از روی اعمال و کردار آنان برداشته شده و

بهین جهت است که شرع می گوید **رفع القلم من الصبی و المجنون**

در هر صورت باید کمک ببهداشت روحی و جسمی و رشد فکری آنان کرد تا جامعه بصورت

حوبی جاوه گر شود و نتایج نیکوی آن عاید اجتماع و مردمان جهان گردد .

سازمان اجتماعی باید طوری مجهز باشد که در نتیجه مساعی متخصصین و کارشناسان

روحی و جسمی و اطباء سائق و باوسائل علمی امروزه هر منم و بزهکاری را در معرض معاینه قرار

داده و عدم رشد فکری و روحی و ضعف و عوارض و اختلالات آنرا بر طرف نماید .

اختلالات دماغی و ضعف آن بصورت گوناگون درآمده و برای هر دسته عنوانی قائل شده اند که بحث های زیادی در اطراف هر يك از این امراض روحی و عصبی شده و بعلاج و درمان آن مبادرت کرده و نتایج رضایت بخشی گرفته اند .

در کشور هلند محیط زندان طوری مجهز بوسائل جدید و افکار جدید و اطباء روحی و دماغی است که یکنفر از بز هکادران درجه اول را دیدم که چند فقره محکومیت سرقت و قتل داشت در محیط زندان - بنحوی تربیت و معالجه شده بود که امروز یکی از اساتید درجه اول علم اخلاق در دانشگاه می باشد و افراد زیادی زیر دست او نیز تربیت شده و ب مقام استادی رسیده اند .

در حال حاضر کلیه نیازمندیهای اجتماعی را محیط زندان تهیه می کند .

وکیل دادگستری - قاضی - خلبان - مهندس - جراح - طبیب - دندان ساز و سایر متخصصین حرف و صنایع را زندان در کشورهای متدنه تربیت نموده و بجامه تحویل میدهد .

این اختلالات عصبی و دماغی بصورت گوناگونی درآمده که بذکر قسمتی از اسامی این امراض می بردازیم .

۱- **مگالومانیا** *Megalomanie* یا جنون بزرگی که این افراد خود را مانوق همه دانسته و برای افکار دیگران جز فکر خود ارزشی قائل نمی شوند .

۲- **مونومانیا** *Monomanie* که با اصطلاح عوام ویر است اختصاص بدسته ای از مردم دارد که فقط بیک چیز توجه کرده و سایر امور مستحیل درشیشی مورد توجه آنان میشود .

۳- **کلپتومانیا** *Cleptomanie* یا جنون دزدی که بعضی از افراد از هر طبقه و صنفی مبتلا باین مرض بوده و حتی اردها و متوالترین افراد دچار این عارضه بوده و برای تسکین شکنجه و آلام روحی خود این اعمال را مرتکب میشوند .

۴- **اوپیومانیا** *Opiomanie* یا جنون تریاک که اغلب افراد این کشور مبتلا باین مرض خانمانسوز بوده و بکدمه اجزایم از قبیل بهتان و افترا و نقشه کشی از آثار این مرض بوده و محیطی را در حال رخوت و رکود انداخته اند بقول یکی از شمراي تریاکي :

دود تریاک به افلاک چو پرواز کند

ملك از شدت خمیازه دهان باز کند

۵- **اروتومانیا** *Erotomanie* یا جنون عشق از افرادی تشکیل میشود که همیشه حتی در سن ۸۰ و ۹۰ سالگی عاشق بیهوده و جز معاشرت با زنان و یا تمدد زرجات داشتن تمه های متعدد بجهیز دیگر تمایل ندارند .

۶- **توکزیکومانیا** *Toxicomanie* یا استعمال کننده گان سم - دیوانگانی هستند که استعمال سموم را بکنوع تکلیف و خوشی میدانند .

۷- **نوزومانیا** *Nosomanie* جنون ناخوشی که مبتلایان باین مرض گمان میکنند همیشه ناخوش و ناسالم هستند و در خود وجود تمام امراض را احساس مینمایند .

۸- **مازوشیسم** *Masochisme* یا جنون آزار و شکنجه دردموآخ آمیزش با زنان و مردان و زنان هم دردموآخ آمیزش تا شلاق نخورند و زجر نکشد احساس خوشی نمینمایند استر بامیه فروش قاتل اطفال بهمین مرض مبتلا بود و تا آنهارا قطعه قطعه نیکرد و سر آنهارا نمیرید و خون نمیدید نمیشناخت عمل شنیع با آنان بنماید .

۹- **نمفومانیا** *Nymphomanie* جنونی است که زنان مبتلامی شوند و میل باستمنا

باخود دازند و پرده عفاف را در اولین برخورد بامرد اذ دست می‌دهند.

۱۰- **لالومانی** Lalomanie یا جنون پرگرمی این طبقه از افرادی تشکیل میشود که رابطه بین مفر و زبان آنان قطع گردیده و هر کدام بنحو استقلال برای خودکار می‌کنند اغلب پیر مردان و پیر زنان دچار این مرض شده از قوه حافظه آنان کاسته شده به قوه لافظه افزوده می‌شود.

۱۱- **متررومانی** Metromanie جنونی است که زنها باهم میل به آمیزش پیدا میکنند و این عمل را تعقیب و یا مساحقه گویند.

۱۲- **اونی‌رومانی** Oniromanie جنون خواب که اغلب اشخاص شبها خواب دیده و اغلب خوابهای آنان نیز موحش می‌باشد.

۱۳- **نوستومانی** Nostomanie جنونی است که در نتیجه مسافرت و دوری از وطن و مسقط‌الراس اندوه فوق‌العاده بانسان دست میدهد.

۱۴- **نکتوفوبی** Nectophobia یا جنون ترس از شب این طبقه در موقع شب تغییرات آنان تحریک شده و ترس و وحشت از تاریکی دارند.

۱۵- **هیپمانی** Hypemanie یا جنون غم این دیوانگان همیشه منوم بوده و هیچوقت آنانرا خندان و بشاش نمی‌بینند.

۱۶- **دمونومانی** Demonomanie یا جنون جن و شیاطین و غول این افراد اگر روشن فکر باشند تمام مردم را جاسوس و فراماسون دانسته و از آنان دوری کرده و وحشت دارند و اگر تاریک و جاهل باشند تصور جن و شیطان و غول برای آنان حاصل میشود.

۱۷- **سادیسیم** Sadisme یا جنون آزار و اذیت و شکنجه که طبقات چاقو کشان و آدمکشان از این افراد تشکیل میشود این افراد از طوقیت پستان مادران خود را کاز گرفته و اشخاصی را که دوست دارند و به آنان در بزرگی اظهار علاقه میکنند کاز و نیشگان گرفته و از مکیدن پوست و لبان آنها و کبود نمودن لذت می‌برند و بازگفتن بره‌های مگس و ریختن نفت روی موشها و سوزاندن این حیوانات فرح و انبساطی بآنان دست میدهد - سدی هم اشاره باین نوع جنون نموده است.

پیردردی لطیف در بغداد دختر خود بگشودوزی داد

مردك سنگدل چنان بگزید لب دختر كه خون از او بچکید

۱۸- **وامپیریسم** Vampirisme یا جنون اعیال منافی عفت با اموات و نعش‌ها که این افراد قبور را نبش کرده و از نزدیکی و معاينه با اموات لذت می‌برند.

۱۹- **بیبلیومانی** Bibliomanie یا جنون جمع‌آوری کتاب حتی از طریق سرقت این افراد بدون اینکه از مندرجات کتب استفاده معنوی نمایند کتب را احتکار کرده و در کتابخانه خود برای حظ نفس میگذارند.

۲۰- **مرفینومانی** Morphinomanie یا جنون استعمال مرفین که این اشخاص مرفین بدن خود تزریق کرده و نشانی بزعم خود در آنان ایجاد میشود.

۲۱- **پیرومانی** Pyromanie یا جنون حریق و آتش‌سوزی که اغلب از بیچه‌ها و حتی بزرگ‌ها مبتلا بانمرض هستند و کلیه حریق‌ها در نتیجه اعمال این قبیل اشخاص صورت می‌گیرد.

۲۲- **درومومانسی** Dromomanie یا جنون ولگردی که بیشتر در اطفال متولین و اغنیاء این جنون عارض شده و شب و روز بدون داشتن هدف و منظوری در پیاده‌روهای لاله‌زار و استامبول و نادری قدم میزنند و اناکل و پاراژیت اجتماع بوده و از دسترنج دیگران اترتاق میکنند بدون اینکه کوچکترین بار امور اجتماعی را بردوش بگیرند .

۲۳- **دیسومانسی** Dipsomanie یا جنون شرب - این دسته از افرادی تشکیل میگردند که عمر خود را در بارها و پباله‌فروشها و میخانه‌ها گذرانیده و جز شرب مشروبات الکلی لذت دیگری برای خود قائل نیستند و هستی خود و خانواده را در این راه مصرف مینمایند .

۲۴- **ژرونتوفیلی** Gerontophilie یا جنون عشق به پیرمردها و پیرزنها - این دیوانگان اعم از زن و مرد از زنان و مردان جوان نفرت داشته و به پیرمردها و پیرزنها عشق پیدا کرده و هستی خود را برای تحصیل هدف خود صرف مینمایند .

۲۵- **نارکومانسی** Narcomanie یا جنون با استعمال ادویه مخدره از قبیل کواکاین و حشیش و غیره .

۲۶- **اپی لپتیک** Epileptique یا مصروعین که خطرناکترین تبه‌کارانند و در خشم صرعی مرتکب جرح و قتل می‌گردند .

۲۷- **هیدروفوبی** Hydrophobie یا جنون ترس از آب - این اشخاص از سوار شدن در کشتی یا رفتن در استخر و برکه‌ها ترس دارند .

۲۸- **میتومانسی** Mythomanie جنون شهادت دروغ و اشاعه اکاذیب و شکایت‌های بی‌مورد و معتربان و بهتان زندگان که دادگستری ایران اغلب گرفتار این نوع دیوانها هستند - این دسته را از نظر پریشانی نیروی تصور دروغ پرداز میگویند .

۲۹- **پارانویاک** Paranoiaque این افراد از اشخاص متکبر و بدگمان و سوء تعبیرکن و حسود و کینه‌توز و انقلابی و هرج و مرج طلب هستند و به پیچیدگی از مقررات اجتماعی اطاعت نمی‌نمایند .

۳۰- **سیکلو تیمی** Cyclothymie جنون ادواری که اغلب کودکان و مردان و زنان جوان بدان مبتلا هستند .

۳۱- **هیپر مو تیف** Hyperemotif حساسها که ایندسته بکمترین چیز تحریک شده و تندخو میشوند و یا قهر کرده و کدورتی در نهاد آنان پیدا میشود .

۳۲- **نگاتیویسم** Negativisme یا منفی‌بافها که تمام حقایق را با منفر بانی رد کرده و شعور استدلال و مثبت عمل کردن را ندارند و همیشه میگویند همچو چیزی نیست و یا در جریان است و یا برخلاف مقررات می‌باشد .

۳۳- **دزه کی لیبیر** Deséquilibré جنون بد اخلاقی و غیر متادل - این طبقه موازن فکری را بکمترین چیزی از دست داده و حکومت بر اعصاب و افکار خود ندارند .

۳۴- **اوبسیون** Obsession یا جنون تردید و وسواس - که در هر امری تشکیل کرده و حقیقت آنرا از بین میبرند .

۳۵- عده از افراد هستند که در نتیجه فقدان ترشح و باناتوانی غدد مترشعه داخلی که آنرا گلانده آن دو کرینین Glandes endocriniennes می‌گویند از قبیل غده تیروئید -

کلیه‌ها - کبد - لوزالمعده - بیضه در مردان و تخمدانها در زنان و باحالت قاعده‌گی و باالسنکی مبتلا باختلال دماغی هستند که میتوان آنها را معالجه نمود زیرا اغلب جرائم را این قبیل اشخاص مرتکب میشوند که فرد برجسته آن در ایران آغا محمدخان قاجار است .

۳۶- **تروما نیسم Traumatisme** یعنی ورود جرح بقسمت های مختلفه مغز ایجاد اختلالات عصبی و دماغی در اشخاص نموده و آنها را مستعد ارتکاب اغلب ایزه‌ها مینماید .
۳۷ - اغلب افراد که در بدو زندگانی خود سختی و رنج کشیده و با زیر دست زن پدر و با شوهر مادر خود بزرگ شده و با آنان باخشونت و حقارت رفتار شده و محبتی از کسی ندیده اند مردمان بدقلب و شقی و بلید بار آمده و اغلب دچار امراض عصبی و دماغی هستند و مرتکب اقسام جنایات می شوند .

۳۸ - **بستیالیته Bestialité** یا جنون آمیزش با حیوانات و برای همین علت است که در شرح کیم نیست بدیعه دستور داده شده که اولادقت شود تا عساری از هر گونه مرض باشد چون این اعمال شنیعه را چوپانان و گاوآوران و شتربانان در آن زمان (دوره چوپانی) مرتکب میشدند باین جهت نسبت باین قسمت دستور داده شده که نهایت مراقبت در سلامتی حیوان و آلوده نبودن بعمل آید .

۳۹- **اسکاتومانیا Scatomanie** یا جنون کثافتکاری بوسیله بول و غایط و این جنون اغلب در ایران در بعضی از افراد پیدا می شود و باینکه شهرداری در چند نقطه شهر مستراح عمومی ساخته معینا از نظر لدنی که بآنان دست میدهد حاضر برقتن مستراح نبوده و در اطراف مستراح قضای حاجت مینمایند .

۴۰- **شیزومانیا Schizomanie** این جنون مخصوص کسانیست که قادر نیستند خود را با محیط هم آهنگ و متناسب نمایند همیشه برخلاف محیط و عرف و عادت رفتار مینمایند .

این جنون ها انواع زیادی دارد و به مدلول **الجنون فنون** اینقباله کنجایش شرح آن را نخواهد داشت .

وظیفه هر بازرسی این است که پرونده امر را تحت نظر کارشناس یعنی متخصصین امراض روحی و دماغی که **پسیکیاتر Psychiatre** نامیده میشود و همچنین اطباء جسمی گذارده و تمام شرائط مکانی زمانی روحی اخلاقی عاطفتی را در هنگام عمل و ارتکاب جرم در نظر گرفته و معلوم نماید که آیا اراده او در ارتکاب جرم مداخلت داشته یا تحت تاثیر عوارض و آثار امراض گوناگون قرار گرفته است - تحقیقات از اقارب و بستگان متهم راجع بروجه بیمار و طرز زندگی او سوابق فامیلی و شخصی متهم از نظر روحی و جسمی تا حقیقتی کشف شود زیرا شکسیر شاعر معروف انگلیسی در کتاب هاملت خود میگوید .

دماغ انسان را اسراری است که فلسفه و عقل از تصور آن عاجز است .
امروزه باین همه ترقیات در زافزون علم با زهم کیت بشر در این قسمت لنگ بوده و هنوز معالجه قسمتی از امراض روحی پیدا نشده و صاحب نظران در آن حیرانند زیرا این علم هنوز دوره صباوت خود را طی میکند و مجهولات زیادی باید در آینده معلوم گردد ولی با نیروی علم این برده‌های جهل و ظلمت که حاجب ماوراء است از بین رفته و این برده ضعیف و سیاه باره شده و با بر تو و فروغ علم و دانش بشر بقایق تازه ای آشنا تر خواهد شد .

اگر اذدستانها و باز پرسها سوال آمانید آیا این عوامل ادر مورد تعقیب متهمین در نظر گرفته اند . آیا اداره طب قانونسی جز معاینه اموات و مومیائی کردن آن چه نتایجی برای کشور داشته است .

کار اداره پزشک قانونی نباید فقط صدور گواهینامه برای قضات و متهمین از نظر معذوریت کار و بازرسی متهم و تعیین مدت معالجه مصدومین و علت فوت باشد .

اشخاص متهم بجنحه و جنایت باید مورد معاینه قرار گیرند و علت ارتکاب جرم را در آنان کشف و پیدا نمایند .

آیا از زندانیان مبتلا بافیون و الکل و سایر عادات افرادی تاکنون در معرض معالجه قرار گرفته اند که پس از خاتمه دوره زندانی این عادت زشت از آنان برطرف شده باشد .

آیا آمار یسوادهای زندانی در زندان تاکنون از طرف دادستانها خواسته شده است .

آیا دادستانها با داشتن این همه نگهبان و بازرس و دادیار و بازرس کسی رامامور کرده اند که باین افراد خواندن و نوشتن را بیاد دهند که پس از خاتمه محکومیت با سواد از زندان بیرون آیند .

آیا بک دادستان تا کنین بر زندان رفته که قوانین جزائی را در ضمن کنفرانس با زبان ساده برای زندانیها تشریح نماید که بوظائف خود و قوانین موضوعه آشنا شوند .

در کشورهاییکه در سر لوحه قوانین آن ذکر شده است که جهل بقانون رافع مسئول نیست سرزمینی است که قوانین آنکشور قرن ها بر اعمال مردم حکومت کرده و تمام باسواد هستند نه اینکه مانند لباس زیر قوانین را هر روز تغییر دهند که حتی دادرسان و مستشاران دیوان کشور از دانستن آن عاجز باشند تاکنون جز اسقاط تکلیف عمل دیگری انجام داده نشده و بر بدبختی ها و آلام اجتماعی روز بروز افزوده شده است .

زندان باید در حکم مدرسه باشد که تعلیم و تربیت صحیح طوری در آنجا عمل شود که پس از ختم دوره محکومیت بکفرد صالح از حیث روح و جسم تحویل جامعه داده شود . تا اعمال و رفتارش موزون و هم آهنگ با اجتماع باشد نه اینکه فردی اگر منزله یا جزئی مصاد اخلاق داشته باشد در محیط زندان فاسد و تبهکارتر گردیده و دیگران راه بهممان عملیات شرم آور و سوء اخلاق خود مبتلا سازد . انصافاً از دادستانها میبرسم که باین موضوع قدری تمق نموده و وجدان خود را حکم قرار دهند چه ترانامه در این دوره مشروطیت برای اجتماع ماتیبه کرده اند و با مراجعه بآن ترانامه آبا جز و در سلستکی اخلاقی چیز دیگری عاید این کشور شده است یاخیر .

تاثیر زندان بعوض اینکه موجب استقرار امنیت و جلوگیری از اختلالات شود نامانی و عدم انتظامات و فساد اخلاق در جامعه ایجاد کرده که اگر اندک مدتی بگذرد جامعه ما در اثر غفلت و بی میلیاتی و اسقاط تکلیف قابل زیست و ادامه زندگانی برای افراد مهلب نبوده و از خورد و کلان مستعجل در این فساد خواهند شد که آثارش کاملاً ظاهر و هویدا است .

بروز راء دادگستری و دادستانها ارض و حتم است که در قبال اینهمه کارکنان زندان برای خواندن و نوشتن و با بالا بردن سطح تعلیمات حرفه ای در داخل زندانها که اغلب عدّه آنان از پیشه و ران و ارباب صنایع ترکیب میشود چند نفر آموزگار و صنعتگر گماشته و بهر کس در حدود استعدادش خواندن و نوشتن تعلیمات حرفه ای بدهند تا پس از فراغت از زندان لااقل شغل و حرفه خود را بنحو اکمل یاد گرفته و کمک بدستگاه تولیدی کشور و رفع سایر نیازمندیهای اجتماع بنماید و چند نفر هم از متخصصین داخلی امراض دماغی و عصبی و متخصصین خارجی مخصوصاً آلمانی و اتریشی که عده شان زیاد است و با پول کم میزان از معلوماتشان استفاده نمود استخدام کرده که هم در دانشگاه از معلومات نظری و عملی آنان افرادی تربیت شوند و هم در اداره پزشک قانونی و زندان در قسمت بهداشت روحی و جسمی و معالجه اختلالات دماغی و عصبی افراد بر آیند .

کارزندانی‌ها باید بر طبق شرایط موقعیت محل و بر طبق استعداد و معلومات فنی او انجام گردد و شرایط بهداشت کار و غذای زندانی نیز کاملاً تأمین گردیده و کار او نباید با کار آزاد اختلافی داشته و تمام بیمه‌های متعلقه بکار در باره او نیز اجرا گردد و دوره فراغت و بیکاری زندانی نیز بسر گرمی و تقریحات گوناگون مشروع و ورزش‌های بدنی و تماشای فیلم‌های علمی و اخلاقی و بهداشتی و کار مصرف گردد.

حمایت آزادی

دادستانها و باز پرسها همانصورتیکه قبلاً عرض کردم از نظر اینکه باب پراخت برای افراد تا صدور حکم قطعی مفتوح است نباید آنانرا با نظر استحقاق و استخفاف نگاه کرده و اغلب در احضاریه‌ها و اخطاریه‌ها نام آنان را بزشتی و حقارت که حکایت از خصومت و کینه‌توزی و انتقام است فدا نمایند مانند حسن باحسین یا ابوالقاسم و غیره و با لباس مخصوص راه راه با فراد متهم پوشانیده (همانطور که تجار اروپائی پارچه راه راه را برای آسیائی و آفریقائیها تهیه کرده که در اجتماعات بشری به آنان بنظر بزهکار نگاه کنند و آنها را بی‌جهت از اجتماع دور کرده و بنظر بستی با آنان نگریسته که جز تضعیف نیروی اخلاقی آنان نمره‌ای نتواند داشت - این نوع رفتار و سلب آزادی و حمایت ناهنجار متصدیان زندان با آنان و گسیختن رشته و بند و علائق و بستگی‌هایی که آنانرا با اجتماع پیوند میکند و جدا نمودن آنان از مردمان خوب و شرافتمند و لطیفه بچشایات و شتون و اعتبارات مردم زدن و عدم رعایت نکاتی را که مقنن در مورد بازرسی از قبیل شغل - خانواده - سوابق شخصی - معلومات - ملیت - مذهب و سن اشاره نموده است و با سایر حرکات ناپسند که از ذکر آن خودداری میشود که نمره‌ای برای اجتماع نداشته و افراد را بست و زبون نموده و ضررهای غیر قابل جبران بجهنم روح آنان وارد کرده و تحویل جامعه ما خواهد داد.

هر نوع شکنجه که شایسته قرون وسطائی است باید از بین برود.

مواد مخدره و خواب‌آور از قبیل پنتوتال Pentothal و اسکوپولامین Scopolamine که در بدن متهم تزریق میکنند که مکنونات روحی و قلبی خود را بدون اراده بیان نماید شایسته مقام انسانیت نبوده و متناسب با دوره توحش میباشد و امر وزدن با عمل نار کوآئالیز که تزریقات همین ادویه و با دادن مواد خواب‌آور از قبیل ورونال Veronal لو مینال Luminal و گاردنال Gardenal است سخت مبارزه مینماید.

اثبات هر امر و دعوائی بعهده شاکی خصوصی است نه متهم شاکی و مدعی خصوصی باید در جمع آوری دلائل برای تعقیب امری کوشش نماید بار استدلال بعهده تعقیب کننده میباشد متهم مجبور به اظهار حقیقت نیست و حتی میتواند از دادن جواب خودداری نماید.

سرما - گرما - بیخوابی - دستبندبانی - تزریق آب جوش - زندانی نمودن متهم را در محل کثیف و مرطوب و عفن - منافی شخصیت انسان میباشد.

بازداشت نباید بمنظور اقرار صورت گیرد و در قوانین موضوعه ما چنین امری تجویز نشده.

وظایف پلیس هم باید از وظایف باز پرس تفکیک شود .

پلیس برای مشاهده و تنظیم صورت مجلس است قضاوت پرونده کار توه قضایه میباشد پلیس باید بر طبق دستور اوامر دادستان و باز پرس و قنات انجام وظیفه نماید .

در قوانین جزائی تمام دنیا و حتی کشور ما بقدری بشخصیت افراد و حیثیت آنان احترام قائل شده اند که کسی را بدون جهت نمیتوان احضار یا جلب نمود پس باید بز پرس ها و دادستان ها طوری عمل نمایند که عملیات باز پرس با احترام و شخصیت متهم متناسب باشد .

در هر حال روی اوهام و تخیلات نباید با مقدرات اشخاص بازی کرد اعمال کینه توزی و حسادت و جاه طلبی و خود خواهی و غرایز و شهوات نفسانی را در حقوق مردم باید کسار گذاشت زیرا اینگونه اعمال حجابی ضخیم در مقابل فهم و عقل بشری قرار داده و آنان را از جاده عفاف و حقیقت منحرف مینماید .

هر قدر دادستان ها و باز پرس ها دارای شخصیت بارزی باشند شخصیت آنان موجب حمایت حقوق فردی و اجتماعی خواهد بود که بالنتیجه به شخصیت افراد اهمیت داده و ثمره آن عاید اجتماع خواهد شد .

مصالح شخصیت در هر فردی وجود دارد بر دادستانها و باز پرسها و قضات ست که این مصالح را از دست اشخاص نگرفته بلکه بر طبق اصول پسی کانالیز Psychanalyse فرودول ترکیبی آنرا بدست افراد داده تا در نتیجه ترکیب آن مواد از شخصیت خود استفاده کرده و بر ارزش جامعه و کشور خود بیفزاید .

بعقیده اینجانب برای اصلاح تمام این مایب و رفع نواقص موجوده دستگاه پلیس و ژاندارمری باید در قسمت قضائی آن تحت نظر مستقیم دادستانها بوده و قسمت اداری آن که مراقبت در حفظ انتظامات و امنیت عمومی است تحت نظر دستگاه اداری وزارت دادگستری اداره شود و الا انضمام این دو اداره بوزارت کشور و ارتش و عدم توجه بوظایف قضائی خود نتایجی برای کشور نداشته و خلی هم در امور قضائی ایجاد خواهند نمود .

در هر حال مردم را باید از خشونت پلیس و عملیات ناهنجار ژاندارم نجات داد و بر دادستان و باز پرسان است که حمایت از آزادی افراد نموده و بشخصیت آنان که حافظ پایه و اساس قومیت و مایت است اهمیت داده و با کمال نرمی و دل سوزی در صدد رفع نواقص و تقاض روحی و جسمی مردم بر آیند و مقام این آبه شریفه را (آ ۳۰۵) از سوره آل عمران که خداوند بر سول خود جهت اجرای ماموریتی که اصلاح مردم است امر فرموده در نظر بگیرند .

(فیما رحمة من الله انت لهم و لو كنت فظا غلیظ القلب لاقضوا من حولك) .

ای پیغمبر از طریق ملایت و نرمی که رحمت خدا است با مردم رفتار کن و اگر تندخوی و خشونت کردی از دور تو مردم پراکنده خواهند شد .

هر آن رایض که توسن را کند رام کند آهستگی با کره خام
به تندی توسن از سر تند گردد و سر کنندی نمائی کند گردد

چنانچه رام ساختن تو سنان بی عنان بی ملاحظه تازیاہ امر بعروف ونہی ازمکر عملی نخواهد شد لازم است مردم را بر طبق مفاد این آیه شریفہ باحکمت و اندرزهای نیکو بوظائف خود آشنا نموده و بتعمیر خوشی با آنان رفتار و مجادلہ نمایند تا نتایج مطلوبہ بدست آورده شود کہ عین آیه ذیل درج میشود .

(ادع الی سبیل ربک بال حکمة و الموعظة الحسنه و جادلہم بالتي هی احسن) .

دل گفت مرا علم لدنی هوس است

تعلیمم کن گرت بدان دست رس است

گفتم کہ آلف گفت دگر گفتم هیچ

در خانه اگر کس است یک حرف بس است

در خاتمه توفیق اولیاء امور و دادستانها و بازرسان در اجراء این امر مهم از خداوند مسئلت مینمایم .

دکتر محمد شاکر

اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری

بر حسب دستور جناب آقای لطفی وزیر دادگستری کمیونی (مرکب از آقایان محمود دره رئیس شعبه چهارم دیوان کشور . محمد مجلسی دادیار دادرسی دیوان کشور . شهاب فردوسی رئیس شعبه چهارم دادگاه استان مرکز . دکتر رحمت الله امین قر رئیس اداره فنی وزارت دادگستری از قضات دادگستری و آقایان محمود سرشار . دکتر فضل الله مشاور . ضیاء الدین نقابت و اینجناب از وکلای دادگستری) برای تجدید نظر در قانون آیین دادرسی کیفری تشکیل گردید .

پس از چندین جلسه شور و دقت در قانون مزبور لایحه ای مشتمل بر ۱۵۶ ماده تنظیم و در تاریخ ۱۶/۹/۳۱ تقدیم جناب آقای وزیر دادگستری نمودند کہ پس از مطالعه مقام وزارت و کمیسیون عالی برای تصویب تقدیم مقام نخست وزیر گردید .

این نکته بسیار جالب توجه است کہ قانون فعلی کہ مورد اجراء است هیچگاه از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته (و چگونگی آنرا نگارنده در شماره ۲۳ مرداد ماه سال جاری مجله قانون توضیح داده ام) قانون مزبور در جلسه پنجمینہ نهم رمضان ۱۳۳۰ قمری در هیئت وزراء تصویب و سپس بر حلقه اجرا گذارده شده و البته بعد از اضافاتی بوجوب قانون بعمل آمدہ بآنکہ مطالب آن ضمن قانون حذف شد و لایحه مجموع قانون آیین دادرسی کیفری باین عنوان از مجالس نگذشت و اینک اگر این اصلاحات از تصویب نخست وزیر بگذرد و با استفاده از اختیارات قانونی جناب آقای